ادامه از صفحه اول

تخفیف مجازات تکلیف یا اختیار؟

با تصویب قانون مجازات سال ۱۳۹۲ این روال تاریخی حاکم بر تخفیف در حقوق کیفری ایران بر هم خورد و مقنن از کیفیات مخففه نیز نوعی عذر قانونی تخفیف ابداع کرد. نگارنده مدعی حقوقدان‌بودن نیست ولی با مطالعه تاریخ حقوق کیفری به طور اعم و تاریخ حقوق کیفری صدساله اخیر ایران به طور اخص، به این نتیجه شگفت‌انگیز رسیده که قانون مجازات ۱۳۹۲ در مبحث تخفیف مجازات، برخلاف اصول حاکم در حقوق کیفری وضع حکم کرده است و در واقع اختیار تخفیف مجازات را به تکلیف تخفیف مجازات برای قاضی مبدل کرده است. این تکلیف قضایی شامل حال تمامی متهمانی می‌شود که واجد یکی از جهات پیش‌بینی‌شده تخفیف هستند. طبع اظهارنظر حقوقی مقتضی آن است که اگر حقوقدان حکم قانونی را خلاف قاعده دید، تفسیر موافق قاعده روی آن بگذارد و مثلا در این موضوع تکلیف قانونی تحمیل‌شده به مقام قضا را با تفسیر، مبدل به اختیار قضایی کند ولی نگارنده جرات چنین اقدامی را ندارد زیرا قانون مصوب ۱۳۹۲ حق برای برخورداری از تخفیف مجازات به نفع تمامی متهمانی که واجد یکی از خصوصیات مذکور در قانون باشند، ایجاد کرده است؛ و تفسیری که این حق را از بین ببرد تفسیر به ضرر متهم است و شأن حقوقدان نیست که قانون را به ضرر متهم تفسیر کند. توضیح اینکه در قانون مجازات سال ۱۳۹۲ مواد ۳۷ و ۳۸ به تخفیف مجازات اختصاص یافته است و در ماده ۳۸ قانون، قانونگذار جهات تخفیف را به قید انحصار در هشت مورد مشخص کرده است و در این رابطه تنها تکلیفی که برای قاضی قایل شده، این است که جهت تخفیف مجازات را در حکم خود ذکر کند، این مساله باقی می‌ماند که آیا در صورت وجود یکی از جهات مخففه مذکور در ماده ۳۸، قاضی می‌تواند آن را نادیده بگیرد؛ برای اینکه مثال قضیه ندامت و حسن‌سابقه متهم از جهات تخفیف مذکور در ماده ۳۸ قانون مجازات است حال اگر متهم سابقه مجرمانه نداشته باشد یا اظهار ندامت کند، آیا دادگاه می‌تواند آن را نادیده بگیرد و مجازات را تخفیف ندهد؟ ظاهرا پاسخ به این سوال منفی است پس قاضی تکلیف دارد اظهار ندامت یا عدم وجود سوءپیشینه متهم را در حکم ذکر کند و با ذکر جهت تخفیف ناگزیر تخفیف است همچنین از جهات هفتگانه دیگر تخفیف که در ماده ۳۸ ذکر شده‌اند و به عبارت اخری، قید مواد هشت‌گانه جهت تخفیف در ماده ۳۸ قانون حق مکتسبی برای متهم ایجاد کرده است که یکی از این جهات مخففه در مورد او مصداق داشته باشد. با این تحلیل پدیده حقوقی کیفیات مخففه قضایی ماهیتا به معاذیر قانونی مخففه نزدیک می‌شود.در چنین صورتی و با چنین تحلیلی متهم یا وکیل او در مقام دفاع در دادگاه می‌توانند از این حق استفاده کنند و وجود جهات تخفیف را به قاضی یادآوری و احیانا دلایل اثباتی وجود جهت تخفیف را ارایه کنند، در صورتی که ثابت شود آن جهت تخفیف ادعایی وجود دارد محلی برای تشخیص دادگاه باقی نمی‌ماند و به‌استناد تبصره یک ماده ۳۸ دادگاه، مکلف خواهد بود آن جهت تخفیف را در حکم خود قید کند. با ذکر جهت تخفیف در حکم دادگاه قاضی دیگر نمی‌تواند شانه از زیر بار تخفیف مجازات خالی کند، باقی می‌ماند حکم ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی که انشاء شده است. قانون به جای ذکر اینکه «قاضی در صورت تشخیص وجود جهت تخفیف می‌تواند در مجازات تخفیف دهد» اختیار تشخیص دادگاه در وجود جهت تخفیف را منتفی کرده و با این عبارت وضع حکم کرده است که «در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف، دادگاه می‌تواند مجازات تعزیری را به نحوی که به حال متهم مناسب‌تر باشد به شرح زیر تقلیل دهد یا تبدیل کند» به عبارت دیگر تشخیص وجود جهت تخفیف امر موضوعی است و متهم و وکیل او در اثبات آن حق مداخله دارند و اختیار دادگاه منحصر به انتخاب یکی از درجات تخفیف مندرج در ماده ۳۷ قانون است یعنی وجود جهت تخفیف حق برخورداری از تخفیف را برای متهم ایجاد می‌کند و دادگاه نمی‌تواند از تخفیف مجازات به میزان حداقل یک درجه امتناع ورزد ولی اینکه دو درجه یا سه درجه تخفیف دهد بر حسب مجازات‌های مختلف در اختیار قاضی است. این حکم هرچند بر فرض خلاف تمامی قواعد حقوق کیفری باشد و در نظام‌های حقوق کیفری غربی نیز سابقه نداشته باشد، درواقع بدعت مبارکی است که به هر شکل وارد نظام حقوقی ایران شده و دادگاه مکلف است در صورت وجود یکی از جهات تخفیف هشت‌گانه مندرج در ماده ۳۸ قانون مجازات، ضمن ذکر آن در حکم، حداقل مجازات حبس را یک درجه تخفیف دهد. در مواردی که قانونگذار مجازات را به نحوی تعیین کرده که صریحا یا ضمنا آن مجازات غیر قابل تخفیف اعلام شده است، دادگاه می‌تواند در صورت وجود کیفیات مخففه، آن مجازات را به مجازات جایگزین حبس تبدیل کند. این امر که در حال حاضر بهانه برخی از دادگاه‌ها، در عدم اجرای مجازات‌های جایگزین حبس شده و آن اینکه آیین‌نامه موضوع ماده ۷۹ قانون هنوز به تصویب نرسیده، پذیرفته نیست زیرا نفس پیش‌بینی جایگزین‌کردن حبس با یک مجازات دیگر از قبیل خدمات عمومی رایگان، حق محکوم‌علیه است و تخلف مقامات عمومی از تصویب آیین‌نامه نمی‌تواند مانع استفاده محکوم‌علیه از حق قانونی خود شود. بنابراین برعهده قضات شریف دادگستری است که آن بخش از مجازات‌های جایگزین حبس را که قابلیت اعمال دارند مورد حکم قرار دهند. به‌طور مثال طبیبی که مرتکب جرمی شده که جزای آن حبس است با رفتن او به زندان، جامعه از خدمات درمانی داخل در صلاحیت او محروم می‌ماند. دادگاه می‌تواند مجازات او را ارایه خدمات درمانی رایگان در یک منطقه محروم تعیین کند. جای این سوال باقی است که آیا تحلیل ارایه‌شده نسبت به مواد ۳۷ و ۳۸ قانون مجازات عطف‌به‌ماسبق می‌شوند یا نه؟ حکم ماده ۷۴ قانون در مورد مجازات‌های جایگزین حبس صراحت بر این امر دارد که مقررات این فصل در مورد احکام قطعی که پیش از لازم‌الاجراشدن این قانون صادر شده، اجرا نمی‌شود. اما در سایر موارد از جمله مواد ۳۷ و ۳۸ قانون چنین صراحتی، مورد حکم قرار نگرفته است.

ادامه در صفحه ۶

تنور بحث همچنان داغ است

واکنش مطهری و فاضل‌میبدی به انتقاد مصباح یزدی از روحانی

شرق: دغدغه آخرت مردم را دارند و مدام برای آن هشدار می‌دهند و می‌خواهند حتما مردم را روانه بهشت کنند. آنان معتقدند، وظیفه ذاتی حسن روحانی و دولت، هموارساختن زمین برای ورود مردم به بهشت و نهی‌ازمنکر آنان است. با این حال رییس‌جمهوری معتقد است «به زور و شلاق نمی‌شود مردم را به بهشت برد، پیامبر شلاق در دستش نبود و به مردم امید می‌داد. اینقدر در زندگی مردم هر روز مداخله نکنیم ولو به‌خاطر دلسوزی، بگذاریم مردم راه بهشت را انتخاب کنند.» روحانی می‌گوید: «عده‌ای مدام غصه دین و آخرت مردم را می‌خوردند در حالی که نه می‌داند، دین چیست و نه آخرت. اما همیشه غصه آخرت را می‌خورند.»

اما گویا برخی با این سخنان روحانی مخالفند تا جایی که آیت‌الله مصباح‌یزدی تشخیص داد شخصا وارد میدان شود و به دولت هشدارهای لازم را بدهد. وی در سخنانی که حکایت از نارضایتی شدید او از روحانی داشت، گفت: «برخی از افراد عمامه‌به‌سر که دارای مسوولیت هستند، در واکنش به اجتماع مردم درخصوص بدحجابی و نگرانی علما از وضع دین و فرهنگ و تجمع روحانیت در فیضیه، آنها را کسانی معرفی می‌کنند که اسلام را نشناخته‌اند و آنها را متهم به توهم می‌کنند. باید از وی پرسید مگر خود تو دینت را از کجا یاد گرفته‌ای؟ از فیضیه یا از انگلستان؟»

شاید بتوان گفت پس از مذاکرات هسته‌ای و توافقنامه ژنو، این مساله دومین چالشی است که به‌صورت جدی میان این دست از اصولگرایانی با دولت روحانی به وجود آمده و پاسخ متقابل طرفین، در چند هفته اخیر ادامه‌دار شده است. به نظر می‌رسد با توجه به هشدار سردار فیروزآبادی به برخی رسانه‌های وابسته به نیروهای مسلح مبنی برعدم تضعیف دولت روحانی و سخنان اخیر محمود علوی، وزیر اطلاعات مبنی بر تذکر و نارضایتی مقام‌معظم‌رهبری از عملکرد رسانه‌هایی که دروغ‌پراکنی علیه دولت را ادامه می‌دهند، منتقدان دولت برای ایجاد فشار و بحران برای دولت باید دستاویزهای جدیدی را امتحان کنند و به‌نظر می‌آید موضوع جدید دغدغه و نگرانی‌شان، دین و حجاب باشد.

دغدغه سیاسی دارند

محمدتقی فاضل‌میبدی در همین خصوص معتقد است تمرکز برخی از روحانیون اصولگرا روی موضوعی مانند «دین و هموارسازی مسیر بهشت از سوی دولت» به‌دلیل اختلافات سیاسی است. او به «شرق» می‌گوید: «به نظر می‌آید افرادی که چنین موضوعاتی را مطرح می‌کنند بیشتر دغدغه مسائل سیاسی خود را دارند»

این عضو مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم با اشاره به عملکرد دولت پیشین و حمایت گسترده منتقدان دولت فعلی از آن ادامه می‌دهد: «آن زمان که مردم از جهت اقتصادی و مالی تحت‌فشار قرار گرفته بودند و بنیاد دین آسیب می‌دید، صدای آقایان بلند نمی‌شد و حرفی نمی‌زدند اما اکنون در این مسایل جزیی وارد می‌شوند و صدایشان بلند می‌شود. این افراد دعوای سیاسی دارند نه دغدغه دین! آنان می‌خواهند با این روش‌ها رقیب را از میدان به در کنند.»او به دوران دولت خاتمی اشاره کرد و گفت: «این هجمه‌ها جدید نیست، در زمان دولت اصلاحات هم شاهد این هجمه‌ها و بحران‌سازی‌ها بودیم. اکنون هم دولت فعلی، دولت متمایل به اصلاح‌طلبان است و منتقدان می‌خواهند با توسل به راه‌های قدیمی، این دولت را تحت فشار قرار دهند.» فاضل‌میبدی با اشاره به عملکرد آیت‌الله مصباح‌یزدی در سال‌های پیش گفت: «سوال این است که چرا برخی آقایان قبل از پیروزی انقلاب اسلامی از انقلاب و ولایت فقیه دفاع نمی‌کردند؟ برای مثال امام(ره) در سال ۴۲ گفته بودند جشن نیمه‌شعبان برگزار نشود اما عده‌ای آن سال چراغانی کردند. در زمان جنگ و تحریم‌های گسترده هم برخی خود را از قضایا کنار کشیدند. حال سوال اینجاست که چرا در زمانی که کشور در مضیقه بود اینها وارد میدان دفاع از اسلام و کشور نمی‌شدند؟ اکنون اما بعد از گذشت کم‌تر از یک سال از روی‌کارآمدن دولت فعلی، می‌بینیم که آقایان وارد میدان شده‌اند در حالی که در دولت پیشین نه‌تنها صدایی از اینا بلند نشد و در انتقاد از دولت آقای احمدی‌نژاد سخنی نگفتند که حتی از آن دولت هم دفاع کردند.»به گفته فاضل‌میبدی: «اگر ماجرا بر سر احساس وظیفه است، بهتر است آقایان همه جا این احساس را داشته باشند.»

مطهری: شایبه دخالت حب‌وبغض‌ها در قضاوت‌ها وجود دارد

در همین رابطه، علی مطهری، عضو کمیسیون فرهنگی مجلس هم در واکنش به انتقادات آیت‌الله مصباح‌یزدی به رییس‌جمهوری گفت: «من دقت‌نظرها و اعلام خطرهای جناب آقای مصباح‌یزدی در مباحث فرهنگی و فکری و ایدئولوژیک را می‌پسندم و برای جلوگیری از انحراف و تغییر مسیر انقلاب اسلامی مفید می‌دانم. ولی این سوال برای بنده ایجاد شده است که چرا آقای مصباح در زمان دولت قبلی که انحرافات فرهنگی بیشتر از امروز بود و رییس‌جمهور سابق و آقای مشایی افکار ویژه مخالف مبانی و آرمان‌های انقلاب اسلامی را مطرح می‌کردند از قبیل مکتب ایران، وحدت ادیان و بیداری انسانی به‌جای بیداری اسلامی و همین‌طور فیلم‌های سینمایی که در آن به دنبال عادی‌سازی روابط زن شوهردار با مرد بیگانه بودند یا رییس‌جمهور وقت مساله نظارت بر پوشش اسلامی را به سخره می‌گرفت، در آن زمان جناب آقای مصباح این مقدار عکس‌العمل نشان نمی‌دادند و فقط به اشاراتی اکتفا می‌کردند.

به گزارش «خانه ملت» علی مطهری با بیان اینکه «امروز آقای مصباح، یک جمله رییس‌جمهوری را که قابل تاویل است به سکولاریسم تفسیر می‌کنند و با تندی به وی حمله می‌کنند» افزود: «لذا این شایبه ایجاد می‌شود که حب‌وبغض‌ها در اینگونه قضاوت‌ها دخالت دارد.»عضو کمیسیون فرهنگی مجلس ادامه داد: «این مساله درباره برخی ائمه‌جمعه نیز صدق می‌کند. برخی از آنها در زمان دولت قبل که وضع فرهنگ بدتر از امروز بود ساکت بودند ولی اکنون اعلام خطر می‌کنند.»

اسلام، اجازه ورود حکومت به حریم خصوصی را نمی‌دهد

یک عضو مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم هم معتقد است: «اسلام، اجازه ورود حکومت به حوزه خصوصی در عقاید، اعمال و رفتار فردی و شخصی مردم نداده است.»

حجت‌الاسلام و المسلمین سید ابوالفضل موسویان به «ایرنا» گفت: «اساسا حیطه کار حکومت و دولت در حوزه عمومی است و دولت حق دخالت در حوزه خصوصی افراد را ندارد. آنچه برای دولت اجازه ورود داده شده است، حوزه عمومی است اما چنانچه اگر مساله‌ای پیش آمده و آسیبی به جامعه و محیط اسلامی وارد شود از این جهت دولت از باب دفاع از حقوق دیگران وظیفه دخالت دارد.» عضو هیات‌علمی دانشگاه مفید ادامه داد: «خداوند همچنین به پیامبر می‌فرماید که تو جبار نیستی که دیگران را مجبور به پذیرش دین کنی و با وجودی که راه پیامبر صددرصد درست است اما خداوند به پیامبر اجازه نمی‌دهد دیگران را به راهی که او انتخاب کرده است مجبور کند. گرچه می‌گوییم دین از سیاست جدا نیست و سیاست عین دیانت ماست اما منظور آن نیست که تمام دین شامل سیاست باشد.»

نکته

چرا آقای مصباح در زمان دولت قبلی که انحرافات فرهنگی بیشتر از امروز بود و رییس‌جمهور سابق و آقای مشایی افکار ویژه مخالف مبانی و آرمان‌های انقلاب اسلامی را مطرح می‌کردند یا رییس‌جمهور وقت مساله نظارت بر پوشش اسلامی را به سخره می‌گرفت، در آن زمان این مقدار عکس‌العمل نشان نمی‌دادند و فقط به اشاراتی اکتفا می‌کردند

نکته

آن زمان که مردم از جهت اقتصادی و مالی تحت‌فشار قرار گرفته بودند و بنیاد دین آسیب می‌دید، صدای آقایان بلند نمی‌شد و حرفی نمی‌زدند اما اکنون در این مسایل جزیی وارد می‌شوند و صدایشان بلند می‌شود. این افراد دعوای سیاسی دارند نه دغدغه دین! آنان می‌خواهند با این روش‌ها رقیب را از میدان به در کنند

طالبی، معاون سیاسی دفتر رییس‌جمهوری:

همه تخم‌مرغ‌های دولت در سبد هسته‌ای نیست

نزدیک به یک‌سال از پیروزی حسن روحانی در انتخابات می‌گذرد. در این مدت رییس‌جمهوری و تیم سیاست‌خارجی اقداماتی در راستای بهبود روابط کشورمان با جهان به انجام رسانده‌اند. در همین مورد با حمید ابوطالبی، معاون سیاسی دفتر رییس‌جمهوری درباره دستاوردهای سیاست خارجی دولت تدبیر و امید را تشریح کرده است.

یکی از اصلی‌ترین وعده‌های آقای روحانی در ایام تبلیغات انتخاباتی بهبود سیاست خارجی و روابط کشورمان با سایر کشورهای جهان و از جمله همسایگان بوده است. به‌نظر شما وعده‌های آقای‌روحانی تا چه اندازه محقق شده است؟

سیاست خارجی یکی از اصلی‌ترین محورها در برنامه‌های آقای دکتر روحانی، چه در ایام تبلیغات انتخاباتی و چه پس از آن و از آغاز به کار دولت تدبیر و امید بوده است؛ به همین جهت آقای روحانی در همان روزهای نخستین پیروزی در انتخابات، اقدامات لازم برای محقق‌کردن اهداف خود در سیاست خارجی را آغاز کرد. می‌توان گفت از نخستین مصاحبه مطبوعاتی دکتر روحانی پس از پیروزی در انتخابات در سال ۹۲ تا مصاحبه‌ای که احتمالا در سالگرد این پیروزی در روز ۲۴خردادماه خواهند داشت- یعنی حدود یک‌سال- به‌عقیده من در کنار سایر موفقیت‌های عمده، «سیاست خارجی رییس‌جمهوری» به‌طور چشمگیری قرین پیروزی بوده است. به دیگرتعبیر، سیاست خارجی ایشان در دستیابی به اهداف کلان مدنظر، تحقیقا به نتیجه رسیده و به بار نشسته است. البته دورنمای سیاست خارجی آقای دکتر روحانی افق‌های بلند و گسترده‌تری را شامل می‌شود، اما با توجه به زمان کوتاه و با توجه به حجم گسترده نابسامانی‌هایی که در سیاست خارجی کشور پدید آمده بود و با توجه به شرایط سنگین و پیچیده جهانی و منطقه‌ای باید اذعان‌کرد که موفقیت‌های افتخارآمیز بسیاری به دست آمده است.

از مهم‌ترین موفقیت‌های دولت در سیاست خارجی چه بوده است؟

این دستاوردهای حدودا یک‌ساله در سه حیطه جهانی، منطقه‌ای و داخلی حاصل شده است. این تحولات و آغاز موفقیت‌ها در حوزه سیاست خارجی با مصاحبه نخستین دکتر روحانی و تبیین تعامل سازنده در دولت اعتدال و سپس با حضور وسیع مقامات عالیرتبه کشورها در مراسم تحلیف ایشان کلید خورد. آن‌گاه در سفر به بیشکک شکل منطقه‌ای به خود گرفت و به‌ویژه نویدبخش تعاملی نوین با روسیه و چین شد؛ سپس در مذاکرات نیویورک و در سازمان ملل با تصویب قطعنامه مبارزه با خشونت و افراطی‌گری - که به Wave شهرت یافت - جهانی شد؛ در داووس با ورود به حوزه تئوریک، سیاست و اقتصاد پیوند خورد؛ و در اجلاس سیکا در شانگهای تلفیق سیاست و امنیت به اوج خود رسید

در همین حین در حوزه، Realpolitic تعامل با همسایگان و کنش‌های منطقه‌ای نیز به‌صورتی ویژه مدنظر بود و تلاش می‌شد گام‌هایی اساسی در رابطه با آنان برداشته شود. اگرچه در حوزه فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای هم می‌توانم بگویم که موفقیت‌ها بیش از حد انتظار بود زیرا در این یک‌سال ترتیبات سیاسی-امنیتی در ابعاد مختلف به‌نفع ایران تغییر شکل داد.

درواقع اجماع ملی، از حمایت‌های مقام‌معظم‌رهبری تا یاری جامعه سیاسی و ملت شریف ایران، بزرگ‌ترین سرمایه‌ای است که ایشان توانسته است در این یک‌سال به دست آورد.

جایگاه مساله هسته‌ای در سیاست خارجی کشور ما بسیار حایز اهمیت است، اما آیا مساله هسته‌ای اصل است و سیاست خارجی جزیی از آن شده؟

مساله هسته‌ای از سال ۱۳۸۲ که وارد سیاست خارجی ما شد ابتدا به هسته مرکزی سیاست خارجی تبدیل و سپس با تحولات پس از دولت اصلاحات به هستی سیاست خارجی ما تبدیل شد. دکتر روحانی بر این واقعیت اشراف کامل دارد که مساله هسته‌ای، هستی سیاست خارجی شده است؛ ولی تمام هستی سیاست خارجی، مساله هسته‌ای نیست. تعامل با کشورهای حاضر در گفت‌وگوها جایگاه ویژه‌ای می‌یابد اما اینگونه نیست که دولت همه حیات و ممات خود در سیاست خارجی را به موضوع هسته‌ای گره زده باشد. در واقع می‌خواهم بگویم دکتر روحانی شخصا سیاست خارجی کشور را اداره می‌کند و بر تمامی ابعاد آن - هسته‌ای و غیرهسته‌ای- اشراف و نظارت دارد. ایشان برای سیاست خارجی تئوری دارد و این‌طور نیست که ما در مسیر مواجهه با تحولات با سیاست هر چه پیش آید خوش‌آید حرکت کنیم. اگر منظور شما این است که دولت همه تخم‌مرغ‌های خود را در سبد مذاکرات هسته‌ای گذاشته و از سایر ابعاد سیاست‌خارجی غافل شده است باید بگویم که به هیچ‌وجه اینگونه نیست. اگرچه مساله هسته‌ای، هستی سیاست خارجی است اما سیاست خارجی دولت، فقط مساله هسته‌ای نیست. به دلیل همین ویژگی است که باید در موضوع هسته‌ای ملی بیندیشیم و باور کنیم که اجماع ملی تنها راه موفقیت در این امر است؛ و اینکه دولت نماینده ملت است که تحت اشراف رهبری گام برمی‌دارد.

الو شرق ۸۸۶۴۰۲۶۰

sharghline@sharghdaily.ir

پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● **هکر بیکار!** پیشرفت علم و فناوری موجب شده بسیاری از افراد با توجه به توانایی در نوشتن، وبلاگ بسازند و از این راه داشته‌های خود را به دیگران انتقال دهند یا به تبادل داده بپردازند. من هم مانند ۲۷میلیون ایرانی دیگر برای خود چند سالی است وبلاگی راه انداختم تا بتوانم مطالب مطبوعاتی چاپ‌شده خود را در آن بگذارم. اما مدتی بود هکر بیکاری دست به تهدید من می‌زد و سرانجام روز گذشته وبلاگم را هک کرد. مدیریت بلاگفا هم هیچ حمایت و پشتیبانی و راهنمایی انجام نداد تا اینکه وبلاگ دومم نیز پس از یک روز راه‌افتادن، هک شد. پس سِرورِ در ایران چه معنایی دارد، می‌تواند بی‌تفاوت باشد؟!

فرقانی از تهران

● **بیکاری، پیش درآمدی برای بزهکاری:** نبود مشاغل مناسب برای جوانان تحصیلکرده، باعث شده است بسیاری از جوانان خود را سربار خانواده و جامعه احساس کنند. در این میان معدودی از جوانان هم برای اینکه بتوانند پول تو جیبی خود را به دست آورند، به بزهکاری روی می‌آورند و دست به سرقت می‌زنند یا اقدام به خرید و فروش مواد مخدر می‌کنند. ضرورت دارد مسوولان برای پیشگیری از بزهکاری جوانان، برای آنان شغل ایجاد کنند تا آنها بتوانند پشتوانه‌ای برای ادامه زندگی خود داشته باشند.

عرفان. ف از تهران

● **لوازم خانگی گران و بی‌کیفیت:** کمتر خانواده‌ای می‌تواند لوازم خانگی مستهلک خود را به‌دلیل گرانی بیش از حد، تعویض کند. در نتیجه مجبورند همان وسیله را پس از نقص فنی تعمیر و استفاده کنند. این‌روزها دستمزد تعمیرکاران هم بدون هیچ حساب و کتاب گران است. افزایش قیمت بنزین و گازوییل هم بهانه‌ای برای سوداگری برخی صنف‌ها شده است.

افسانه از تهران

● **سونامی گرانی:** پس از افزایش قیمت بنزین، کرایه‌ها و برخی کالاهای مورد نیاز گران شد، این بار مطبوعات از قول مسوولان نوشتند که قیمت لبنیات هم ۲۰درصد افزایش یافت. به راستی با این افزایش قیمت‌ها که سیر صعودی دارد، مردم به‌ویژه اقشار حقوق‌بگیر که درآمدهای ثابت و غیرمکفی دارند، کمرشان زیربار این گرانی‌ها خُرد می‌شود. مردم از رییس‌جمهوری انتظار معجزه ندارند، اما توقع دارند به شعارهای قبل از انتخابات جامه عمل بپوشاند.

● **سد معبر:** ساکنان خیابان ولیعصر(عج) غربی و شرقی واقع در خیابان عارف شمالی منطقه ۱۴ شهرداری از مسوولان رفع سد معبر شهرداری تقاضا دارند وانت‌بارهایی که مقابل مسجد خداداد تجمع و موجب مشکلات فراوانی برای ساکنان می‌شوند، جمع‌آوری کنند.

محمد سروش سلامت از تهران